

میرزا فتحعلی آخوندزاده

مجموعه آثار

جلد اول

تحقیق و تصحیح

علی اصغر حقدار



مراکز پخش:
انتشارات دوغو (Doğu) در ترکیه
انتشارات چاپار (ÇAPAR) در آذربایجان
انتشارات فروغ در اروپا
انتشارات پگاه در کانادا
شرکت کتاب در ایالات متحد آمریکا



مجموعه آثار - جلد اول

میرزا فتحعلی آخوندزاده

تحقیق و تصحیح علی اصغر حقدار

طرح جلد: امیر عزتی

ناشر: انتشارات باشگاه ادبیات

چاپ اول: پاییز ۱۴۰۰ (دسامبر ۲۰۲۱)

تیراژ: ۵۰۰ نسخه

شابک: ۳-۵۲-۸۵۹۹۵-۹۱-۹۷۸

تقدیم به

خلوص جان‌افزایی

که فضایی عاشقانه، صمیمی و محترمانه برایم فراهم ساخته است

«ای اهل ایران، اگر تو از نشاه آزادیت و حقوق انسانیت خبردار می‌بودی، به این‌گونه عبودیت و به این‌گونه رذالت متحمل نمی‌گشتی، طالب علم شده فراموش‌خانه‌ها می‌گشودی، مجمع‌ها بنا می‌نمودی، وسایل اتفاق را دریافت می‌کردی. تو در عدد و استطاعت به مراتب از دیسپوت زیادتری، برای تو فقط یکدلی و یک‌جهتی لازم است. اگر این حال، یعنی اتفاق، به تو میسر می‌شد برای خود فکری می‌کردی و خود را از قیود عقاید پوچ و از ظلم دیسپوت نجات می‌دادی. چه فایده این حال برای تو میسر نمی‌شود مگر با علم و علم حاصل نمی‌گردد مگر با پُرُقَر [ترقی] و پُرُقَر صورت نمی‌بندد مگر با لیبرال بودن و لیبرال بودن نمی‌شود مگر با رستن از عقاید. چه فایده مذهب تو و عقاید تو به لیبرال بودن تو مانع است.»

میرزا فتحعلی آخوندزاده

فهرست مطالب

جلد اول

سپاسگزاری.....	۱۷
مقدمه مصحح.....	۱۹
بیوگرافیای.....	۴۷
قامیدیا یعنی تمثیل (نمایشنامه‌ها).....	۵۵
حکایت ملا ابراهیم خلیل کیمیاگر.....	۵۷
حکایت مسیو ژوردان حکیم نباتات و درویش مستعلی شاه مشهور به جادوگر.....	۷۵
سرگذشت خرس قولدورباسان (دزد افکن).....	۱۰۵
سرگذشت وزیر خان لنکران.....	۱۴۳
سرگذشت مرد خسیس (حاجی قارا).....	۱۷۵
حکایت وکلای مرافعه در شهر تبریز.....	۲۲۷
رمان کوتاه.....	۲۶۳
ستارگان فریب‌خورده.....	۲۶۵
الفبای جدید.....	۲۸۹
رساله الفباء جدید برای تحریرات السنه اسلامیه که عبارت از عربی و فارسی و ترکی است.....	۲۹۱
تحقیق در خصوص خط اسلام.....	۳۴۱
نامه به وزارت علوم ایران در ی‌نوار ۱۸۷۰.....	۳۴۵
رسم جدید در خط اسلام.....	۳۵۷
آخرین لایحه الفبای نو.....	۳۷۱
مکتوبات کمال‌الدوله.....	۳۷۷
شرطنامه مستنسخ نسخه مکتوبات کمال‌الدوله.....	۳۷۹

سواد مکتوبیست که مستنسخ نسخه کمال الدوله به یکی از مشرعان ملت اسلام	
فرستاده است در سنه ۱۲۸۰.....	۳۸۳
پیشگفتار در سبب نگارش مکتوبات.....	۳۸۷
مقدمه در توضیح واژگان جدید.....	۳۹۱
مکتوب اول.....	۳۹۷
مکتوب دوم.....	۴۲۹
مکتوب سوم.....	۴۹۱
جواب جلال الدوله.....	۵۰۹
سه مکتوب - ملحقات کمال الدوله.....	۵۲۱
مکتوب اول.....	۵۲۳
مکتوب دوم.....	۵۲۹
مکتوب سیم.....	۵۳۳
مقالات.....	۵۴۱
مقدمه دیوان واقف و سایر معاصران - درباره نظم و نثر.....	۵۴۳
مؤخره دیوان واقف و سایر معاصران - درباره نظم و نثر.....	۵۴۷
درباره ملای رومی و تصنیف او.....	۵۴۹
قریتکا به منشی روزنامه سنیه ملت ایران.....	۵۵۵
فهرست کتاب.....	۵۷۷
مسائل مکتب و تدریس.....	۵۸۱
جواب هیوم.....	۵۸۵
سواد بحث - مناظره با علی اکبر سالیانی.....	۵۸۹
کاپیتان عزیزم سلطانوف.....	۵۹۳
عقاید بابیه.....	۵۹۹
رساله ایراد.....	۶۰۳
به جناب محرر روزنامه حقایق.....	۶۱۳

یادداشت‌های سفر اسلامبول در ۸ ایون ۱۸۶۳..... ۶۱۷.....
بسط و تفصیل مطالبی است که در اواخر سنه ۱۸۷۲ از جناب روح‌القدس در تفلیس در
هنگام عبورش از این بلده به عزیمت طهران در چند مجلس شنیده‌ام..... ۶۲۳.....

جلد دوم

اشعار..... ۶۴۷.....

پوله می شرقی در وفات آ. س. پوشکین..... ۶۴۹.....
شکایت از زمانه..... ۶۵۵.....
باز این چه شورش است که..... ۶۵۷.....
من طالب اسم‌ورسم گشتم..... ۶۵۸.....
هجو عبدالرسول خان..... ۶۵۹.....
بیان بازی شطرنج..... ۶۶۱.....
علم را تقلیدشان..... ۶۶۳.....
مدح نامه..... ۶۶۴.....
در مدح اعلیحضرت ولیعهد..... ۶۶۷.....
واندا..... ۶۶۹.....
منظومه در خصوص الفبای تازه..... ۶۷۱.....

نامه‌ها..... ۶۷۷.....

به حسین خان نظام الدوله در ۵ آوریل ۱۸۵۸..... ۶۷۹.....
به یکی از امرای طهران در ۵ ژوئن ۱۸۵۸..... ۶۸۳.....
عالیجنابا مجدت‌مابا میرزا محمدعلی میرزا کاظم‌بیک در ایول ۱۸۵۸..... ۶۸۵.....
دستورالعمل به حاجی ملا محمد در ۹ سپتامبر ۱۸۵۸..... ۶۸۷.....
دستورالعمل به عسکر خان بک در ۹ سپتامبر ۱۸۵۸..... ۶۸۹.....
به عسکر خان بک در ۹ سپتامبر ۱۸۵۸..... ۶۹۱.....
به میرزا یعقوب در آگوست ۱۸۵۸..... ۶۹۳.....

۶۹۵.....	به پیشگاه حضرت صدارت پناهی در ۱۸۶۳.....
۶۹۷.....	به علی‌خان در ۱۸۶۵.....
۶۹۹.....	به میرزا عبدالوهاب خان در ۱۲۸۳ق.(۱۸۶۶-۱۸۶۷).....
۷۰۱.....	مسوده کاغذ وزیر علوم با شماره ۱ در سپتامبر ۱۸۶۸.....
۷۰۳.....	مسوده کاغذ وزیر امور خارجه با شماره ۲ در سپتامبر ۱۸۶۸.....
۷۰۵.....	مسوده کاغذ حاجی علی‌خان با شماره ۳ در سپتامبر ۱۸۶۸.....
۷۰۶.....	مسوده کاغذ پاشاخان با شماره ۴ در سپتامبر ۱۸۶۸.....
۷۰۷.....	مسوده کاغذ دوم پاشاخان با شماره ۵ در سپتامبر ۱۸۶۸.....
۷۰۹.....	مسوده کاغذ مستوفی الممالک با شماره ۶ در سپتامبر ۱۸۶۸.....
۷۱۱.....	مسوده عریضه قونسول دولت علیه ایران با شماره ۷ در سپتامبر ۱۸۶۸.....
۷۱۳.....	مسوده کاغذ میرزا حسین‌خان با شماره ۸ در سپتامبر ۱۸۶۸.....
۷۱۵.....	مسوده کاغذ حسن علی‌خان با شماره ۹ در سپتامبر ۱۸۶۸.....
۷۱۷.....	مسوده کاغذ ناصرالملک محمودخان با شماره ۱۰ در سپتامبر ۱۸۶۸.....
۷۱۸.....	مسوده کاغذ ملکم خان با شماره ۱۱ در سپتامبر ۱۸۶۸.....
۷۲۱.....	مسوده کاغذ میرزا یوسف خان با شماره ۱۲ در سپتامبر ۱۸۶۸.....
۷۲۲.....	مسوده کاغذ دیگر به میرزا یوسف خان با شماره ۱۳ در ۳ سپتامبر ۱۸۶۸.....
۷۲۵.....	سواد کریتکا در مقابل عقیده سعاوی افندی به اعتضادالسلطنه در سپتامبر ۱۸۶۸.....
۷۳۷.....	به حاجی شیخ محسن خان در ۴ فورال ۱۸۶۹.....
۷۴۱.....	به میرزا یوسف خان در آگوست ۱۸۶۹.....
۷۴۵.....	به منیف افندی در ینوار ۱۸۷۰.....
۷۴۸.....	به صدراعظم دولت علیه عثمانیه عالی پاشا در ینوار ۱۸۷۰.....
۷۴۹.....	به روح‌القدس ملکم خان در ینوار ۱۸۷۰.....
۷۵۰.....	به ملکم خان در ایون ۱۸۷۰.....
۷۵۴.....	به شاهزاده جلال‌الدین میرزا در ۱۵ ایون ۱۸۷۰.....
۷۵۹.....	به شاهزاده جلال‌الدین میرزا در سپتامبر ۱۸۷۰.....

۷۶۱.....	به علی‌خان کنسول سابق ایران در تفلیس در ۲۲ سپتامبر ۱۸۷۰.....
۷۶۳.....	به ملکم خان در ۲۵ اکتبر ۱۸۷۰.....
۷۶۵.....	به شاهزاده جلال‌الدین میرزا در ۱۸۷۰.....
۷۶۶.....	به میرزا یوسف خان در ۱۷ دسامبر ۱۸۷۰.....
۷۷۰.....	به ملکم خان در ۲۷ دسامبر ۱۸۷۰.....
۷۷۱.....	به مؤتمن السلطان میرزا مصطفی خان در ژانویه ۱۸۷۱.....
۷۷۳.....	به ملکم خان.....
۷۷۵.....	به ملکم خان در ۸ مارس ۱۸۷۱.....
۷۷۸.....	به میرزا یوسف خان در ۲۵ مارت ۱۸۷۱.....
۷۸۱.....	به میرزا یوسف خان - کاغذ دوم علی‌حده در ۲۵ مارت ۱۸۷۱.....
۷۸۲.....	به میرزا محمدجعفر مترجم تمثیلات در ۲۵ مارت ۱۸۷۱.....
۷۸۷.....	به میرزا یوسف خان - کاغذ سیم در ۲۹ مارت ۱۸۷۱.....
۷۹۰.....	به میرزا یوسف خان در ۲ آپریل ۱۸۷۱.....
۷۹۴.....	به شاهزاده جلال‌الدین میرزا در ۲۰ مای ۱۸۷۱.....
۷۹۸.....	عنوان مکتوب به شاهزاده جلال‌الدین میرزا.....
۷۹۹.....	سواد مکتوب جداگانه به شاهزاده جلال‌الدین میرزا.....
۸۰۲.....	به ملکم خان در ۲ ایون ۱۸۷۱.....
۸۰۳.....	به ملکم خان - سواد ورقه جداگانه در ۲ ایون ۱۸۷۱.....
۸۰۵.....	به ملکم خان - سواد ورقه جداگانه در ۲ ایون ۱۸۷۱.....
۸۰۸.....	به میرزا یوسف خان در ۸ ایون ۱۸۷۱.....
۸۱۰.....	به میرزا یوسف خان - سواد ورقه جداگانه در ۸ ایون ۱۸۷۱.....
۸۱۲.....	به میرزا یوسف خان - سواد مکتوب دیگر در ۸ ایون ۱۸۷۱.....
۸۱۴.....	به ملکم خان در ۸ ایون ۱۸۷۱.....
۸۱۷.....	سواد جواب به میرزا آقا ۲۸ ایون ۱۸۷۱.....
۸۲۷.....	به شاهزاده جلال‌الدین میرزا در ۲۹ ایول ۱۸۷۱.....

- به مانکجی صاحب پیشوای طایفه زردشتیان ساکن طهران در ۲۹ ایول ۱۸۷۱..... ۸۲۹
- به شاهزاده جلال‌الدین میرزا در سپتامبر ۱۸۷۱..... ۸۳۱
- به ملکم خان ۱۴ اکتبر ۱۸۷۱..... ۸۳۳
- به ملکم خان - کاغذ جداگانه..... ۸۳۷
- به دو نفر از وزرای عثمانیه در ۱۴ اکتبر ۱۸۷۱..... ۸۳۸
- به میرزا یوسف خان در ۳ مارت ۱۸۷۲..... ۸۴۲
- به میرزا یوسف خان - کاغذ دوم در ۱۸۷۲..... ۸۴۵
- به ملکم خان در ۸ مارت ۱۸۷۲..... ۸۵۲
- به ملکم خان در ۲۹ مارت ۱۸۷۲..... ۸۵۵
- به علی خان..... ۸۵۷
- به مسیو نیکولای در ۶ دسامبر ۱۸۷۲..... ۸۵۹
- به مسیو نیکولای در ۱۵ ایون ۱۸۷۳..... ۸۶۱
- به میرزا یوسف خان..... ۸۶۳
- به رئیس وزارت خارجه در دسامبر ۱۸۷۳..... ۸۶۵
- به علی خان در ۱۰ ینوار ۱۸۷۴..... ۸۶۶
- به اعتضادالسلطنه در ۲۰ ینوار ۱۸۷۴..... ۸۶۸
- به مسیو نیکولای در ۲۴ فوریه ۱۸۷۴..... ۸۷۱
- به مسیو نیکولای در ۲۴ فوریه ۱۸۷۴..... ۸۷۲
- به مسیو نیکولای در اوت ۱۸۷۴..... ۸۷۳
- به آقا میرزا محمد رفیع صدرالعلماء در ۱۸ محرم ۱۲۹۱ق..... ۸۷۵
- به فرهاد میرزا در اکتبر ۱۸۷۵..... ۸۷۸
- به ملکم خان..... ۸۸۱
- به میرزا یوسف خان (در نقد «یک کلمه») در ۸ نوامبر ۱۸۷۵..... ۸۸۲
- به میرزا یوسف خان در ۸ نوامبر ۱۸۷۵..... ۸۸۷
- به مانکجی در ینوار ۱۸۷۶..... ۸۸۹

به مانکجی در ۱۸ مای ۱۸۷۶.....	۸۹۱
به یکی از سادات و اشراف طهران در ۱۸۷۶.....	۸۹۳
به میرزا مصطفی در ۲۲ ایون ۱۸۷۶.....	۸۹۵
به حاجی معتمدالدوله.....	۸۹۷
پیوست‌ها.....	۸۹۹
ترجمه‌های آخوندزاده.....	۹۰۱
گزارشی از کتاب «درباره آزادی» حکیم انگلیسی جان ایستوارت.....	۹۰۳
تاریخ خریستوفور قولومب.....	۹۰۷
مثل حکیم سیسموند در منفعت جدوجهد و تحصیل معاش و ضرر آن در صورت افراط تحصیل زیاده از در احتیاج.....	۹۱۵
شرح کلانتاروف از دانشمندان ارمنیان صفحه قفقاز در روزنامه «قفقاز» نمره ۱۴۰، ۲۸ نوایابر سنه ۱۸۷۱.....	۹۲۱
اصلاح خط ما(ترجمه فارسی روزنامه سعاوی افندی).....	۹۲۳
درباره کاتب چلبی.....	۹۲۷
نامه‌هایی به میرزا فتحعلی آخوندزاده.....	۹۲۹
از میرزا یوسف خان در ۶ ژوئیه ۱۸۶۶.....	۹۳۱
از میرزا یوسف خان در ۱۷ نوامبر ۱۸۶۷.....	۹۳۳
از میرزا یوسف خان در ۲۸ مه ۱۸۶۸.....	۹۳۵
از میرزا یوسف خان در ۶ مه ۱۸۶۹.....	۹۳۷
از جلال‌الدین میرزا.....	۹۴۰
از جلال‌الدین میرزا.....	۹۴۱
ازملکم خان در ۱۶ سپتامبر ۱۸۷۰.....	۹۴۵
از ملکم خان.....	۹۴۷
از ملکم خان در ۲۰ دسامبر ۱۸۷۰.....	۹۴۸
از علی‌خان.....	۹۴۹

- از مانکجی در ۲۲ مارس ۱۸۷۱..... ۹۵۱
- از میرزا آقا تبریزی..... ۹۵۳
- از میرزا آقا تبریزی..... ۹۵۵
- از جلال‌الدین میرزا..... ۹۵۶
- از جلال‌الدین میرزا در ۲۰ ژوئن ۱۸۷۱..... ۹۵۷
- از مانکجی در ۱۴ ژوئیه ۱۸۷۱..... ۹۵۸
- از میرزا یوسف خان در ۱۸ اوت ۱۸۷۱..... ۹۶۱
- از میرزا یوسف خان در ۲۵ اوت ۱۸۷۱..... ۹۶۲
- از ملکم خان در ۵ نوامبر ۱۸۷۱..... ۹۶۳
- از مانکجی در ۱۷ دسامبر ۱۸۷۱..... ۹۶۴
- از مانکجی..... ۹۶۶
- از مانکجی..... ۹۶۸
- از ملکم خان در ۲۷ مایس ۱۸۷۱..... ۹۶۹
- از مسیو نیکولایی..... ۹۷۱
- از مسیو نیکولایی..... ۹۷۳
- از مسیو نیکولایی در ۱۲ دسامبر ۱۸۷۴..... ۹۷۵
- از محمد رفیع طباطبایی در ۱۶ صفر..... ۹۷۸
- از مانکجی در ۱۲ اوت ۱۸۷۴..... ۹۷۹
- از اعتضادالسلطنه..... ۹۸۰
- از اعتضادالسلطنه در ۷ ژانویه ۱۸۷۴..... ۹۸۱
- از نیکولایی در ۲ فوریه ۱۸۷۶..... ۹۸۲
- از مانکجی در ۲۵ آوریل ۱۸۷۶..... ۹۸۳
- از مانکجی در ۱۹ جمادی‌الاولی ۱۲۹۳ق..... ۹۸۵
- از دستور جاماسپجی در ۲۹ دسامبر ۱۸۷۶..... ۹۸۶
- از میرزا یوسف خان در ۱۷ ژوئن ۱۸۷۸..... ۹۸۸

از میرزا یوسف خان در ۱۰ فوریه ۱۸۷۸.....	۹۸۹
مقدمه محمدجعفر قراجه داغی بر ترجمه تمثیلات.....	۹۹۱
مقدمه حمید محمدزاده بر الفبای جدید و مکتوبات.....	۹۹۹
مقدمه باقر مؤمنی بر مکتوبات کمال الدوله.....	۱۰۰۵
اسناد و مدارک مربوط به میرزا فتحعلی آخوندزاده.....	۱۰۳۵
شهادت نامه (۱).....	۱۰۳۷
شهادت نامه (۲).....	۱۰۳۹
استفتای مانکجی لیمجی هوشنگ هاتریا از شیخ مرتضی انصاری.....	۱۰۴۱
جوابیه جمعیت علمیه عثمانیه.....	۱۰۵۱
جواب عبدالعزیز عثمانی.....	۱۰۵۵
منابع و ارجاعات آخوندزاده.....	۱۰۵۷
تصاویر.....	۱۰۶۳

سپاسگزاری

در هیجده ساله (۱۳۸۲-۱۴۰۰) که با فواصل زمانی مشغول مطالعه، پژوهش و تنظیم آثار میرزا فتحعلی آخوندزاده به صورت «مجموعه آثار» (فارسی و ترکی آذربایجانی) بودم، هر کدام از دوستان، آشنایان و پژوهندگان به اشکال مختلف یاری خود را از من دریغ نکردند؛ اکنون که این کتاب منتشر می‌شود، از همه آنها صمیمانه سپاسگزارم.

کامران فانی با گشاده‌رویی همیشگی، فتوکپی نسخه خطی مکتوبات کمال الدوله را از کتابخانه ملی ایران - تهران برایم تهیه کرد. زنده‌یاد دکتر فریدون آدمیت تمامی منابع و مأخذ مربوط به آخوندزاده را از آرشیو شخصی خود در اختیار من گذاشتند؛ مجید طالقانی مدیر نشر گستره در تهران این مجموعه آثار را برای انتشار قبول کرد و با عدم دریافت مجوز انتشار، موافقت کرد که متن را در خارج از ایران منتشر کنم. زنده‌یاد ایرج افشار با صحبت و ارائه منابعی راجع به آخوندزاده، بخشی از مطالب و مقالاتی که در مورد آخوندزاده نوشته شده بودند را به من شناساند. زنده‌یاد عبدالحسین حائری از کتابخانه مجلس چندین متن آخوندزاده و درباره او را در اختیارم گذاشت.

پرفسور نصیب ل. نصیبلی (Nesib L. NESİBLİ) در دانشگاه آنکارا و سلجوق آلکین (Selçuk ALKIN)، در فضای دوستانه‌ای از تعدد منابع آثار آخوندزاده و روایت‌های مختلف افکار او سخن گفتند. دکتر نیازی اونور (Niyazi ÜNVER) در کتابخانه ملی آنکارا از هیچ کوششی برای دستیابی من به آثار چاپ‌شده آخوندزاده در ترکیه دریغ نداشتند. دکتر فریدون وهمن به‌دفعات از سر لطف و باحوصله در تماس‌هایی که راجع به آثار و اندیشه‌های آخوندزاده باهم داشتیم، مرا از نظریات خود بهره‌مند ساخت. محمد اسد (Mehmet ESAT) مدیر انتشارات «کتابخانه» در استانبول از سر لطف طرح اولیه جلد را تهیه کرد. ارول جهانگیر (Erol CİHANGİR) مدیر نشر «دوغی کیتابخانه‌سی» در استانبول، چندین منبع ارزشمند ترکی راجع به آخوندزاده را معرفی کرد. همت شهبازی هم در تماس‌هایی که باهم داشتیم، مرا از نگارش رمان «فتح فتحعلی» و چند منبع نوشتاری آگاه ساخت. دیلغم احمد (Dilqəm ƏHMƏD) از پژوهش‌گران و مجموعه‌داران آذربایجانی در استانبول تمامی منابع مربوط به آخوندزاده را در زبان‌های ترکی آذربایجانی در اختیارم گذاشت. مدیریت

کتابخانه آخوندزاده در باکو فتوکپی چندین متن قدیمی و کتابشناسی آخوندزاده را در اختیارم گذاشتند. محسن معینی در تهران برای دسترسی به چند عنوان کتاب و نسخه‌های خطی آخوندزاده و درباره او یاری‌ام کرد. آرش جودکی ضمن ارسال نوشته‌هایش راجع به آخوندزاده، در گفت‌وگوهایی که داشتیم، نظریاتش را در ارزیابی نوشته‌های آخوندزاده بیان کرد. سید محمدرضا حسینی امین برای تهیه و ارسال تصویر نسخه خطی «سه مکتوب ملحقات نسخه کمال الدوله» آخوندزاده، از کتابخانه ملی ایران- تهران هم چون موارد دیگر صمیمانه یاری‌ام کرد. محسن خیمه‌دوز هم برای اطلاع از کتاب‌های تئاتری و نمایشنامه‌های آخوندزاده در ایران، یاری‌ام کرد. دکتر حسن جوادی به لطف نسخه‌ای از ترجمه خود از آثار آخوندزاده به زبان انگلیسی و ترجمه فارسی مقدمه خود را برایم فرستادند. دکتر ویلم فلور (Willem Floor) هم با گشاده‌رویی در تماس‌هایی که داشتیم، از نظریات خود مرا بهره‌مند ساخت. تهیه و ارسال ویدئو و تصاویری از خانه آخوندزاده در تفلیس را مدیون وجود صمیمت و عشق دوستی هستم که با حضورش در کنارم، فضایی آرام برای تکمیل و اتمام این پروژه فراهم ساخت.

کتابخانه آتاتورک در استانبول، کتابخانه سلیمانیه در استانبول، کتابخانه بایزید در استانبول، کتابخانه ملی در آنکارا، کتابخانه ملی آخوندزاده در باکو، مجموعه تاریخی خانه آخوندزاده در تفلیس و... از مراکز و مکان‌هایی بودند که توانستم با آزادی کامل از منابع آرشیویی و تحقیقی آنها برای آماده‌سازی «مجموعه آثار آخوندزاده» (فارسی) و «اثرلری» (ترکی آذربایجانی)، و تحقیق و تدوین کتاب‌های «میرزا فتحعلی پیش‌آهنگ مدرنیته در ممالک محروسه ایران» و «مرجع شناسی میرزا فتحعلی آخوندزاده» بهره‌مند شوم. مثل همه سال‌های مهاجرتم، تهیه، آماده‌سازی و ارسال نسخه‌های متونی از آخوندزاده و درباره او بر دوش امیر عزتی بود که بدون آنها، این مجموعه ناقص می‌بود. اما کمک‌های امیر عزتی فراتر از این موارد است. او با گشاده‌دستی، شرایط چاپ کتاب را در انتشارات «باشگاه ادبیات» فراهم کرد و طرح جلد نیز حاصل علاقه و هنرمندی اوست.

مقدمه مصحح

میرزا فتحعلی آخوندزاده به تاریخ ۱۲ ژوئیه ۱۸۱۲/۱۲۲۸ق. برابر با ۲۱ تیر ۱۱۹۱خ. در شهر نوخه از توابع شکی (جمهوری آذربایجان) به دنیا آمد؛ وی بنابر زندگی‌نامه خود نوشت، در دوسالگی همراه خانواده راهی تبریز شده و بعد از توقیفی کوتاه (نزدیک به ۵ سال) به مشکین (خیابو) رفته و در سنین بالا (۱۳ سالگی) به سال ۱۲۴۱ق. با خانواده‌اش راهی گنجه می‌شود. وی می‌نویسد «من از هفت‌سالگی تا دوازده‌سالگی در قرارداد در قریه هوراند و بعد از آن در میان ایل انکوت در اوبه ولی بکلو، پرورش‌یافته‌ام و یک سال قبل از جنگ پاسکوویچ با نایب‌السلطنه رضوان آرامگاه به این‌طرف ارس به خاک روس هجرت کرده‌ایم.»^۱

با پایان یافتن جنگ‌های دوم روسیه و ایران و انعقاد قرارداد ترکمنچای به سال ۱۲۴۳ قمری، فتحعلی جوان به زادگاه خود - نوخه - که جزو متصرفات تزار شده بود، برگشته و بعد از توقیفی، به گنجه رفته و در آنجا به درس میرزا ملا حسین حاضر و معارف دینی معمول زمانه را فرامی‌گیرد.^۲ در آن دوران و در گنجه بود که فتحعلی به دنبال آشنایی با میرزا شفیع،^۳

^۱ - از نامه به میرزا جعفر قراچه داغی - مقدمه تمثیلات/۸.

^۲ - با انعقاد قرارداد گلستان در ۲۵ اکتبر ۱۸۱۳ میلادی برابر با ۳ آبان ۱۱۹۲ خورشیدی / ۲۹ شوال ۱۲۲۸، چهارده ولایت شرقی ایران از جمله گنجه - شکی - باکو ... جزو متصرفات دولت روسیه تزاری شد و به دنبال انعقاد قرارداد ترکمنچای در ۲۱ فوریه ۱۸۲۸ میلادی برابر با اول اسفند ۱۲۰۶ خورشیدی / ۵ شعبان ۱۲۴۳، سه ایالت ایروان و نخجوان و بخش‌هایی از ایالت تالش جزو متصرفات دولت روسیه تزاری شدند، با توجه به سال تولد (۱۸۱۲)، میرزا فتحعلی آخوندزاده جزو ایرانیان محسوب می‌شود. وی بعد از بازگشت به زادگاهش در سال ۱۸۲۵ / ۱۲۴۱ قمری و استقرار در آنجا در سال ۱۸۲۹ / ۱۲۴۵ قمری، تابعیت روسی گرفته است.

^۳ - برای آشنایی با میرزا شفیع، نک: میرزا شفیع واضح تبریزی، ابوالفضل علیمحمدی، نشر باران، تبریز، ۱۳۸۴؛ آذربایجان ادبیاتی - میرزا شفیع واضح، سلمان ممتاز، قومونویست نشریاتی، باکی، ۱۹۲۶.

از نظر فکری متحول می‌شود. خود در رابطه با این تحول فکری می‌نویسد: «در یکی از حجرات مسجد گنجه از اهل این ولایت، شخصی مقیم بود میرزا شفیع نام که علاوه بر انواع و اقسام دانش، خط نستعلیق را خیلی خوب می‌نوشت. این میرزا شفیع همان است که در مملکت غرمان سرگذشت و فضل او را در اشعار فارسیه به قلم آورده‌اند. من به فرمایش پدر ثانوی خودم هر روز پیش این شخص رفته مشق خط نستعلیق می‌گرفتم. تا این که رفته‌رفته میان من و این شخص محترم، الفت و خصوصیت پیدا شد. روزی این شخص محترم از من پرسید: «میرزا فتحعلی! از تحصیل علوم چه منظور داری؟» جواب دادم که می‌خواهم روحانی بشوم. گفت: «می‌خواهی تو ریاکار و شارلاتان بشوی؟» تعجب کردم و حیرت نمودم که آیا این چه سخن است. میرزا شفیع به حالت من نگریسته گفت: «میرزا فتحعلی عمر خود را در صف این گروه مکروه ضایع مکن. شغل دیگر پیش گیر.» وقتی که سبب نفرت او را از روحانیون پرسیدم، شروع کرد به کشف مطالبی که تا آن روز از من مستور بود و عاقبت، تا مراجعت پدر ثانویم از حج، میرزا شفیع جمیع مطالب عرفانیت را به من تلقین کرد و پرده غفلت را از پیش نظرم برانداخت. بعد از این قضیه از روحانیت نفرت کردم و نیت خود را تغییر دادم.»^۴

بعد از این رویداد، فتحعلی جوان در سال ۱۲۴۹ ه. به نوخه بازگشته و در مدرسه جدید روسی، زبان روسی را می‌آموزد و یک سال بعد به تفلیس رفته و در ۲۲ سالگی به کار در دفتر امور کشوری فرمانفرمای قفقاز زبردست عباسقلی بیگ - بکی خان - به‌عنوان مترجم از اول نوامبر ۱۱/۱۸۳۴ رجب ۱۲۵۰ مشغول می‌شود. میرزا فتحعلی آخوندزاده شش سال بعد ارتقا مقام یافته و به سمت مترجمی زبان‌های شرقی رسیده و در سال ۱۲۶۲ قمری بعد از طی سمت مترجم کتبی دفترخانه کشور، در مقامات نظامی به درجه سرهنگی رسید؛ آخوندزاده از آن‌پس در مدرسه روسی تفلیس به تدریس زبان ترکی مشغول و با افکار دکابریست‌ها و متجددان روسی آشنا می‌شود. این آشنایی‌ها آموخته‌های فتحعلی را در شناخت دنیای مدرن بارور ساخته و او را به سوی اندیشه‌های سیاسی و اجتماعی مدرنیته رهنمون می‌شوند. میرزا فتحعلی آخوندزاده یک‌بار در سال ۱۲۶۴ قمری به ایران می‌آید. دیداری با امیرکبیر داشته و برای ادای احترام به قبر پدرش، به تبریز رفته است. میرزا فتحعلی آخوندزاده با طوبا

^۴ - بیاغرافیای.

خانم ازدواج کرده و دارای یک دختر به نام نسا^۵ و یک پسر به نام رشید بود. یکی از نوادگان آخوندزاده به نام جمشید هم جزو نمایش‌نامه‌نویسان بود؛ وی مدتی در ایران و ترکیه به فعالیت‌های هنری پرداخته است.

سرانجام میرزا فتحعلی آخوندزاده در سن ۶۶ سالگی به تاریخ ۲۷ فوریه ۱۸۷۸ مطابق با ۱۸ اسفند ۱۲۵۶ خورشیدی/۲۴ صفر ۱۲۹۵ ق. در تفلیس درگذشت.

آخوندزاده در تمامی تألیفات و نوشته‌هایش بنیان انتقاد اجتماعی و سیاسی را در شرق پایه گذاشت؛ به اصلاح خط و تغییر آن پرداخت؛ سخن از اصلاح دینی گفت و جوانه‌های گسست از سنت و بنیاد اندیشه‌های مدرن را در ایران و عثمانی پدیدار ساخت؛^۶ او نخستین نمایشنامه‌های شرقی را به وجود آورد و با آگاهی که از سبک‌های نوین ادبی به دست آورده بود، به سنجش ادبیات کلاسیک پرداخت؛ آخوندزاده در انتقاد از سیاست سنتی و با شناختی که از اندیشه‌های سیاسی مدرن حاصل کرده بود، ایده‌های مشروطه خواهانه را در برپایی نظام سیاسی مبتنی بر قانون عرفی و برآمده از حقوق طبیعی و سکولاریسم عقلانی بنیاد گذاشت.

^۵ - حمیده خانم جوانشیر(قلیزاده) در بخشی از خاطراتش(ص ۹۱) می‌نویسد «نسا خانم(۱۸۵۶/۱۲/۱۸) تفلیس - ۱۹۲۴ (تفلیس) از فعالین در جمعیت خیریه زنان مسلمان قفقاز بود. شوهر نساخانم، خانباا خان قاجار بود و فرزندشان ملک سیما خانم(متولد ۱۸۷۵)، نوه دختری میرزا فتحعلی و همسر آغا صادق تقی‌یف(متولد ۱۸۶۸ - فرزند حاجی زین‌العابدین) بود. (و فرزند پسرش: منصور میرزا، نک: نامه آخوندزاده به مانکجی در ۱۸ مای ۱۸۷۶). زرین‌تاج خانم(۱۸۹۴ - ۱۹۲۷) همسر بهمن میرزا قاجار(۱۸۹۴ - ۱۹۲۷) و آغا زین‌العابدین(۱۸۹۳ - ۱۹۳۹/۱۲/۲۸)، فرزندان ملک سیماخانم و نتیجه‌های دختری میرزا فتحعلی آخوندزاده هستند. نک: خاطره‌لریم، حمیده خانم جوانشیر/ محمدقلی زاده، روسجادران چنوبردن و نشره حاضیرلایان: مهربان وزیر، باکی، ۲۰۱۱.

^۶ - یوسف آکچورا هم میرزا فتحعلی آخوندزاده را جزو بنیان‌گذاران اندیشه‌های مدرن در جهان شرق و ترک قرار داده است؛ نک:

TÜRKÇÜLÜĞÜN TARİHİ, YUSUF AKÇURA, ÖTÜKEN, İSTANBUL, ۲۰۱۵.

احقاق حقوق زنان و حضور انسانی آنان در جامعه^۷ و آسیب‌شناسی از لایه‌های اخلاقی سنت به همراه تأکید بر آموزش و پرورش همگانی و انتقاد از وقایع‌نگاری پیشینیان با تکیه بر تاریخ‌نگاری مدرن، دیگر اقدامات و ایده‌های آخوندزاده را تشکیل می‌دهند و او را در صدر جریان قرار می‌دهند که به همراه میرزا ملکم خان ناظم الدوله، میرزا آقاخان کرمانی، میرزا یوسف خان مستشارالدوله، میرزا طالبوف تبریزی و... «مدرن‌های کلاسیک ایرانی» را به وجود آورده است. آخوندزاده در زمینه های فکری و سیاسی با تألیف و انتشار آثاری، «پیشاهنگ مدرنیته در ممالک محروسه ایران» و پیشرو «مدرن اندیشان کلاسیک ایرانی» شد.^۸

تألیفات آخوندزاده عبارت‌اند از:

۱) شش نمایشنامه و رمان کوتاه (۱۸۵۷م) که در مدت نزدیک به پنج سال (در سال‌های ۱۸۵۰ تا ۱۸۵۵ میلادی/۱۲۶۶ تا ۱۲۷۱ قمری) آن‌ها را نگاشته و تحت عنوان «تمثیلات» به چاپ رسیده است،^۹ این آثار نخست به زبان ترکی آذربایجان نوشته شده‌اند^{۱۰} و سپس در ۱۲۸۷ قمری اولین بار به فارسی توسط میرزا جعفر قراچه داغی و با نظارت آخوندزاده

۷- نک: زن در اندیشه میرزا فتحعلی آخوندزاده، فاطمه اروچی، ایران نامه، دوره جدید، سال اول، شماره ۱، بهار ۱۳۹۵؛ زن در اندیشه میرزا فتحعلی آخوندزاده، م. رضایی تازیک، فصلنامه گیتی‌مداری، شماره دوم، بهار ۱۳۹۶.

۸- نک: اندیشه‌های میرزا فتحعلی آخوندزاده، فریدون آدمیت، انتشارات خوارزمی، تهران، ۱۳۴۹؛ فریدون آدمیت و تاریخ مدرنیته در عصر مشروطیت، علی‌اصغر حقدار، نشر کویر، تهران، چاپ اول: ۱۳۸۲؛ چاپ دوم: ۱۳۸۳؛ چاپ سوم: ۱۳۸۷؛ چاپ چهارم: باشگاه ادبیات، آنکارا، ۱۳۹۷؛ میرزا فتحعلی آخوندزاده پیشاهنگ مدرنیته در ایران، علی‌اصغر حقدار، ۲۰۲۱.

۹- تمثیلات، قاپوتان میرزا فتحعلی آخوندزاده، باسمه خانه جانشین قافقازک، تفلیس، ۱۲۷۵ق.
۱۰- به نوشته آخوندزاده در مقدمه بر تمثیلات «... لهندا من نیز محض استظهار ملت اسلام از این امر غریب بر سبیل امتحان، شش تمثیل و یک حکایت در زبان ترکی تصنیف کرده، جمله آن‌ها را در یک مجلد معروض نظر ارباب کمال نمودم...» (تمثیلات چاپ ۱۲۹۱/ص ۱۹)

ترجمه شده اند: ۱) حکایت وزیر خان لنکران؛^{۱۱} ۲) حکایت خرس قولدور باسان (دزد افکن)؛ ۳) حکایت سرگذشت مرد خسیس یا «حاجی قارا»؛^{۱۲} ۴) حکایت وکلای مرافعه در شهر تبریز؛^{۱۳} ۵) حکایت مسیو ژوردان حکیم نباتات و درویش مستعلی شاه مشهور به جادوگر؛ ۶) حکایت ملا ابراهیم خلیل کیمیاگر^{۱۴} و ۷) رمان کوتاه (Novella) ستارگان فریب خورده یا داستان یوسف شاه.^{۱۵}

^{۱۱} - سرگذشت وزیر خان لنکران (نمایش نامه) - میرزا فتحعلی آخوندزاده، دبلیو اچ دی هگارد / گای لو استرانژ، متن دوزبانه (انگلیسی-فارسی)، لندن، سال ۱۸۸۲.

^{۱۲} - ترجمه: احمد مهدوی، نشر عطایی، تهران، ۱۳۵۰؛ چاپ دوم: ۱۳۵۵؛ چاپ لاهور ۱۹۲۱؛ نک: ادبیات نمایشی در ایران، جمشید ملک پور، جلد اول، صص ۳۸۲-۴۳۴.

^{۱۳} - ترجمه (به همراه سرگذشت مرد خسیس): عبدالکریم منظوری خامنه، تهران، ۱۳۴۷؛ نسخه‌ای هم به زبان اردو از این نمایشنامه منتشر شده است: به اهتمام حافظ محمد عالم چهپیا، لاهور.

^{۱۴} - نمایشنامه «ملا ابراهیم خلیل کیمیاگر» در سال ۱۲۶۷ هـ ق. نوشته شده است. مؤلف آن را «تصنیف فی سنه ۱۲۶۷ هـ ق. (مطابق سال ۱۸۵۰ م.)» می‌نامند. اول بار متن ترکی این نمایشنامه در سال ۱۲۷۷ هـ ق. مطابق سال ۱۸۶۰ م، ده سال بعد از تصنیف آن، چاپ شد و متن فارسی آن با ترجمه و نگارش میرزا محمدباقر قراچه داغی در سال ۱۲۸۸ هـ ق. در تهران انتشار یافت و در دو زبان ترکی و فارسی، نخستین نمایشنامه منتشر شده کم‌دی به حساب می‌آید. مصنف اثر، پیش از انتشار این دو متن، ترجمه روسی آن را در سال ۱۸۵۲ م. در روزنامه «قققاز» (ش ۴۴ و ۴۵) منتشر کرده بود.

^{۱۵} - برای ترجمه‌هایی تازه، نک: ترجمه فارسی ۱: رسول پدram، ترجمه فارسی ۲: جمال سید طاهری، نشر ساوالان، تبریز. آخوندزاده این رمان کوتاه را بر اساس روایتی از «تاریخ عالم‌آرای عباسی» نوشته است؛ دکتر حسن جوادی در این رابطه می‌نویسد « بنا بر «عالم‌آرای عباسی» تألیف اسکندر بیگ منشی (تهران، امیر کبیر، ۱۳۸۲، ج ۲، صص ۷۴۵-۷۵۰) در سال ۱۰۰۱ هجری قمری ستاره‌ای پدید آمد که دلیل تغییر و تبدیل پادشاه عصر بود. ملا جلال در تاریخ خود نوشته است "مقارن این حال، «یوسف ترکش‌دوز» و برادرش را که در الحاد تصانیف داشتند آوردند. رای این پیر غلام - جلال منجم - در علاج آن ستاره، بدین قرار گرفت که شخصی را چند روز پادشاه می‌باید کرد و چون چند روزی بگذرد، او را باید کشت تا اثر آن ستاره ظاهر شود. بناءً علی‌هذا، یوسف را روز پنجشنبه، هفتم ذی‌قعدة، پادشاه ساخته و شاه‌عباس را از پادشاهی معزول کردند. از قرار معلوم یوسف ترکش‌دوز یا سراج از پیروان فرقه نقطویه بود و به همین جهت هم او را ملحد می‌دانستند. بنا به

۲) رساله «الفبا جدید برای تحریرات السنه اسلامیة که عبارت از عربی و فارسی و ترکیست» که به نام «الفبای جدید» معروف است، در سال ۱۲۷۴ق. نوشته شده است.^{۱۶} آخوندزاده راجع به این رساله می‌نویسد «در سنه ۱۸۵۷ مسیحیة از برای تغییر الفبا اسلام در زبان فارسی کتابچه‌ای تألیف کردم و دلایل وجوب تغییر آن را در این کتابچه بیان نمودم.» وی در این کتاب پیشنهادهای برای اصلاح خط عربی مطرح کرد. سپس از تغییر خط عربی به لاتین نوشت. رساله را به مقامات ایرانی و عثمانی ارائه نمود. در نامه‌ای به وزیر علوم آن زمان ایران می‌نویسد: «شخصی که از خطوط سایر ملل وقوف دارند، خواهند دید که الفبای ما در چه مرتبه ناقص و در چه درجه مانع ترقی در علوم است.» در پاسخ دولت ایران به آخوندزاده آمده است «البیق و انساب آن است که میرزا فتحعلی آخوندزاده در باب تغییر الفبای اسلام، خیالات خود را به اولیای دولت عثمانیه معروض دارد؛ چون که در ابتدا ملاحظه این خیال در آن سلطنت شده است. ما ملت ایران اصلاً به تغییر الفبای خود محتاج نیستیم. به علت این که ما سه رقم خط داریم: نستعلیق، شکسته و نسخ که در حسن و رعنائی بالاتر از خطوط جمیع ملل روی زمین است و ما هرگز این خطوط خودمان را متروک و خط جدید

گفته ملا جلال او را پس از سه روز پادشاهی در ۱۰ ذی‌قعدة ۱۰۰۱ (۸ اوت ۱۵۹۳) کشتند، درحالی‌که آخوندزاده تاریخ مرگ او را دو هفته بعد قرار می‌دهد... رمان کوتاه «ستارگان فریب‌خورده» نیز، که عنوان دیگر آن «داستان یوسف شاه سراج» (ترکش‌دوز) می‌باشد، مانند «مکتوبات کمال‌الدوله»، درباره ایران است و بینشی نسبت به اندیشه سیاسی آخوندزاده به دست می‌دهد. این اثر را، که پس از همه نمایشنامه‌های آخوندزاده در سال ۱۸۵۷ نوشته شده، می‌توان به‌عنوان نخستین رمان کوتاه تاریخی واقع‌گرایانه به زبان آذری قلمداد کرد. اساس این داستان مبتنی بر وقایع تاریخی واقعی زندگی شاه‌عباس است، زمانی که منجمان دربار پیش‌بینی کردند که به علت تقارن ستارگان، مصیبتی برای شاه رخ خواهد داد.» (نک: مقدمه دکتر حسن جوادی بر ترجمه تمثیلات به زبان انگلیسی.)

^{۱۶} - کاظم استادی چندین نسخه خطی از آخوندزاده راجع به مسئله خط را معرفی کرده است: کتابخانه سپهسالار، تهران، شماره ۲۷۷۸. (دو نسخه) کتابخانه سپهسالار، تهران، شماره ۲۷۷۹. در این شماره‌ها عناوین رساله‌ها به: «معروض نامه آخوندزاده به وزارت علوم در خصوص خط اسلام» (۳۹ صفحه) و «رسم جدید آخوندزاده در خط اسلام» (۱۷ صفحه) و «سواد تقریر مطبوع جمعیت علمیه عثمانیه در خصوص الفبای آخوندزاده» (۲۴ صفحه)، نام‌برده شده‌اند. نک: معرفی نسخه‌های خطی تغییر خط، آینه پژوهش، سال بیست و سوم، شماره دوم، خرداد و تیر ۱۳۹۱.

میرزا فتحعلی آخوندزاده و یا ملکم خان را معمول نمی‌کنیم. و نخواهیم کرد.» فرهاد میرزا هم به ایده‌های آخوندزاده در خصوص تغییر خط و الفبا اشاره کرده و می‌نویسد «میرزا فتحعلی آخوندزاده که به روسی آخوندوف بولکنیک مترجم پیشکاری کل قفقازیه است، «الف با تاء» اختراعی خود را آورده بود که سه قسم است، دو قسم او را پسندیدیم. یک قسم که حروف مقطعه است و باید از چپ به راست نوشت که اختراع از اشکال خط لاتین است. گفتیم: «چون تشبیه به خط فرنگی دارد خاقانی گفته، فلک کج‌روتر است از خط ترسا، اهل اسلام قبول نخواهند کرد. ولی آن دو قسم دیگر اگر ممکن باشد بهتر است. چنانچه این مقله خط کوفی را به نسخ بدل کرد و تسهیل عمل نمود.» در اختراع این خط خیلی زحمت کشیده است. در این که در زبان عرب و فرس تلفظ منوط به سماع است، حرفی نیست و اگر اعراب جزء کلمه [بود] و نقطه نمی‌داشت، این اختلافات برداشته می‌شد. مثلاً اگر کسی نداند مجیر را به چند طور می‌تواند بخواند مُجیر، مُجیر، مُجیر، مُجیر، مُجیر و مجیز [خواهد خواند] و اگر اعراب جزو کلمه می‌شد و حروف از یکدیگر تمیز داشت، برای اطفال و مبتدی خواندن کتاب و درس خیلی آسان می‌شد بلکه منتهی نیز حاصل می‌برد. ولی حالا در دویست میلیون ملت اسلام، این خطوط رواج گرفته تغییر او مشکل است.»^{۷۱}

آخوندزاده برای بیان نظریات خود درباره تغییر الفبا در سال ۱۸۶۳ به استانبول سفر کرده و رساله خود را به صدراعظم عثمانی، فوآد پاشا (۱۸۱۵-۱۸۶۹)، ارائه می‌کند. در استانبول با اینکه «جمعیت علمیه عثمانیه» از پیشنهاد آخوندزاده تمجید می‌کند، اما عملی کردن آن را صلاح نمی‌داند.

در بخشی از جوابیه «جمعیت علمیه عثمانیه» خطاب به آخوندزاده آمده است «از سوی سرهنگ فتحعلی آخوندزاده به محضر فرهنگ‌پرور حضرت صدارت پناهی تقدیم گردیده که به انجمن ما حواله گشته، پیرامون لزوم و حسنات رسم‌الخط جدید مطالعه شده در حضور میرزا فتحعلی نام برده در مرکز انجمن، جلسه انجمن تشکیل شده رسم‌الخط یادشده بررسی گردیده توضیحات لازم از پدیدآورنده‌اش مطالب شده رسم‌الخط موجود در میان امت اسلامی، هرگز به افاده مرام مساعد نیست و به قرائت منظور از آن لفظ وافی نمی‌باشد؛ زیرا هر کلمه‌اش به چندین صورت قرائت قابلیت دارد...» (به نقل از: مقاله استادی) باین حال به نوشته آخوندزاده «... الآن در میان پروغریسیان [تجددگرایان] و قونسورواتوران

^{۷۱} - سفرنامه فرهاد میرزا معتمدالدوله/۷۱.

[محافظة کاران] اسلامبول [تغییر خط] مسئله گفتگو و مایه مباحثه است» الفبای جدید تقریباً بیشتر عمر آخوندزاده را به مشغول داشته بود و به همراه اشعار و مقالاتی در زمینه های فرهنگی - سیاسی - نقد اجتماعی و... که به چاپ رسیده‌اند، بخشی از نامه‌هایی هم که آخوندزاده در مقاطع مختلف تاریخی راجع به مسئله خط و الفبا به دوستان و نزدیکانش نوشته است، در کنار الفبای جدید تحت عنوان «الفبای جدید و مکتوبات» توسط حمید محمد زاده منتشر شده‌اند.^{۱۸}

۳) «مکتوبات کمال الدوله»، شروع نگارش آن به سال ۱۸۶۰ میلادی/۱۲۷۹ قمری بوده و تا ۱۲۹۵ مدام آن را حک و اصلاح و بازنویسی کرده است. آخوندزاده می‌نویسد: «و بعد از چندی به خیال این که سدّ راه الفباء جدید و سدّ راه سویلیزاسیون در ملت اسلام، دین اسلام است و فئاتیزم آن است، برای هدم اساس این دین و رفع فئاتیزم و برای بیدار کردن طوایف اسلام از خواب غفلت و نادانی و برای اثبات وجوب پرتستانترزم در اسلام به تصنیف [«مکتوبات»] کمال الدوله شروع کردم» خود آخوندزاده در طول حیات خود قیدهایی بر مکتوبات کمال الدوله افزوده و ملحقات سه‌گانه‌ای بر متن اصلی نوشته است؛ «سه مکتوب» در واقع «ملحقات نسخه کمال الدوله» است. این ملحقات را تاریخ‌پژوهانی چون زنده‌یاد فریدون آدمیت همان مکتوبات کمال الدوله دانسته‌اند و در کنار «سه مکتوب» میرزا آقاخان کرمانی، مکتوبات کمال الدوله را سه مکتوب آخوندزاده خوانده‌اند.^{۱۹}

انتشار آثار و تألیفات آخوندزاده در ایران و به زبان فارسی از همان دوران حیاتش آغاز شد؛^{۲۰} نخستین بار میرزا محمدجعفر قراجه داغی، نمایشنامه‌ها و «داستان یوسف شاه» را بین

^{۱۸} - اخیراً در تهران مجموعه نامه‌ها، نوشته‌ها (۲۹ مورد) و رساله الفبای جدید آخوندزاده از روی این کتاب‌ها و دیگر منابع فارسی در یکجا گردآوری شده است؛ نک: آخوندزاده و تغییر خط، کاظم استادی، نشر علم، تهران، ۱۳۹۲. این کتاب هم‌چنین با این شناسه منتشر شده است: دانشنامه خط فارسی - آخوندزاده و تغییر خط - جلد ۸، کاظم مقدم، نشر کاظم استادی، ۱۳۹۴.

^{۱۹} - نک: سه مکتوب میرزا فتحعلی، سه مکتوب و صد خطابه میرزا آقاخان در: چند مقاله تاریخی، فریدون آدمیت، به اهتمام علی‌اصغر حقدار، نشر چشمه، تهران، ۱۳۸۸.

^{۲۰} - اهتمام به انتشار آثار و تألیفات میرزا فتحعلی آخوندزاده در ایران و به زبان فارسی پیش‌از این «مجموعه آثار» نخست توسط میرزا جعفر قراجه داغی، سپس حمید محمد زاده و در نزدیک به

سال‌های ۱۲۸۸ تا ۱۲۹۱ قمری تحت عنوان «تمثیلات» به چاپ رساند. چاپ اول این اثر به صورت چاپ سنگی، در ربیع‌الاول ۱۲۹۱ قمری / ۱۸۷۴ میلادی در تهران منتشر شده است. (نسخه‌ای از این چاپ در کتابخانه میثیگان به اسم «کتاب تیاتر» موجود است.) چاپ دوم با مقدمه و حواشی باقر مؤمنی در نشر اندیشه به تاریخ ۱۳۴۹ خورشیدی در تهران منتشر شده است. چاپ سوم در انتشارات خوارزمی به تاریخ ۱۳۴۹ ش و چاپ چهارم در ۱۳۵۶ ش باز در انتشارات خوارزمی منتشر شده است. چاپ پنجم هم در انتشارات مولی و به کوشش سلمان مفید در ۱۳۹۷ شمسی منتشر شده است. چاپ ششم «تمثیلات» توسط انتشارات خوارزمی - تهران - در سال ۱۳۹۹ منتشر شده است.^{۲۱} متن مرجع من برای این مجموعه آثار، نسخه منتشر شده در ۱۲۹۱ ق است که در تهران چاپ شده است. این نسخه هم با نظارت آخوندزاده و هم بر اساس متن اصلی تمثیلات به زبان ترکی آذربایجانی چاپ تفلیس در سال‌های ۱۲۷۶-۱۲۷۷ ق است. نسخه ناقصی از تمثیلات شامل سه نمایشنامه «حکایت خرس قولدور باسان (دزد افکن)»^{۲۲} - «حکایت وکلای مرافعه» - «حکایت ملا ابراهیم خلیل کیمیگر» به اسم «تماشاخانه» چاپ پاریس ۱۳۰۲ ق هم در کتابخانه سنا (به شماره ۱۹۱۹) موجود است. ترجمه‌های مختلف از نمایشنامه‌ها و رمان کوتاه آخوندزاده را لیلا کامران قیزی به تفصیل آورده است؛ شناسه‌های ترجمه‌ها^{۲۳} از این قرارند: نخستین بار حکایت مسیو ژوردان در روسیه به سال ۱۸۳۷ منتشر شد. همان متن به زبان روسی در تفلیس در روزنامه «قافقازیا» به صورت بخش بخش منتشر شده است. در سال ۱۸۵۱ حکایت ملا

چهل و پنج سال پیش توسط باقر مومنی صورت گرفته است؛ فضل تقدم در این تلاش‌ها به آنان عاید است.

^{۲۱} - برای ترجمه‌های فرانسوی (پاریس: کمدی‌ها، آخوندوف، ۱۹۶۷) و زبان‌های دیگر، نک: راهنمای کتابشناسی ایران، فرخ غفاری، ویراسته الول ساتن، برایتون، ۱۹۸۴. به نقل از: تاریخ ایران کمبریج (ترجمه فارسی)، جلد هفتم، دفتر دوم، ص ۳۶۹.

^{۲۲} - هم‌چنین: خرس قولدور باسان، ترجمه محمدجعفر قراچه داغی، به کوشش حسین محمدزاده صدیق، انتشارات نمایش، تهران، ۱۳۸۲.

^{۲۳} - به این شناسه:

Mirza Fətılı AXUNDZADƏ: xalq ədəbiyyatından realizmə qədər, ss ۴۹-۶۶.

ابراهیم در پترزبورگ هم منتشر شد. همان سال این حکایت به صورت بخش بخش به روسی در روزنامه «قافقازیا» منتشر شد. سپس در سال ۱۸۵۳ حکایت ملا ابراهیم، حکایت مسیو ژوردان و حکایت خرس قولدورباسان، سرگذشت مرد خسیس و سرگذشت وزیر خان لنکران (سراب) به صورت بخش بخش و به روسی منتشر شده‌اند.

در سال ۱۸۵۳ هم چنین «کمدیای میرزا فتحعلی آخونداف» در تفلیس منتشر شد. در سال ۱۸۵۲ حکایت‌های مسیو ژوردان و درویس مستعلی شاه به زبان آلمانی در برلین به نام «کمدی‌های تاتار (آذربایجان) از مولیر آذربایجان» منتشر شده‌اند.^{۳۴}

در ۱۸۵۹ هم در تفلیس به زبان آذربایجانی حکایت‌ها منتشر شده‌اند. در ۱۸۶۴ ترجمه روسی حکایت یوسف شاه منتشر شده و همان متن در ۱۹۰۱ بازنشر شده است. در ۱۸۸۲ از متن فارسی، این حکایت به آلمانی ترجمه و منتشر شده است. در ۱۸۸۳ وکلای مرافعه و در ۱۸۸۶ حکایت ملا ابراهیم به زبان فرانسوی از متن فارسی ترجمه و منتشر شده‌اند. ترجمه انگلیسی حکایت ملا ابراهیم در ۱۸۶۶ منتشر شد. ترجمه فرانسوی وکلای مرافعه هم در ۱۸۸۸ منتشر شد. در سال ۱۸۹۰ ترجمه انگلیسی حکایت مسیو ژوردان و حکایت وکلای مرافعه از فارسی منتشر شده‌اند. در سال‌های ۱۸۹۰ و ۱۹۰۳ و ۱۹۰۶ هم ترجمه‌های فرانسوی منتشر شده‌اند. همان سال ترجمه گرجی سرگذشت وزیر خان لنکران از روسی انجام گرفته است. (چاپی از این

^{۳۴} - محمدامین رسول‌زاده در سخن از «بیداری ادبی و ملی» می‌نویسد «پنجاه- شصت سال قبل از این، ادبیات معاصر آذربایجان پایه‌گذاری شد. نمایشنامه‌نویسی با آثار میرزا فتحعلی آخوندزاده که تمدن شرق را کاملاً می‌شناخت و نیز با دانستن زبان روسی با پایه‌های تمدن غرب آشنا شده بود، آغاز شده و با آثار نویسندگانی چون نجف بیگ وزیروف، عبدالرحیم حق وردی یف، سلطان مجید غنی زاده، نریمان نریمانف و جلیل محمد قلیزاده ادامه یافت. کمدی‌های میرزا فتحعلی اولین کمدی‌هایی است که در جهان ترک نوشته شده است. مجموعه آثار میرزا فتحعلی آخوندزاده که از جانب منتقدین به «مولیر شرق» شهرت یافته به روسی، آلمانی، انگلیسی و قسماً فرانسو ترجمه شده است.» نک: جمهوری آذربایجان - چگونگی شکل‌گیری و وضعیت کنونی آن، محمدامین رسول‌زاده، ترجمه تقی سلام زاده، نشر شیرازه، تهران، ۱۳۸۰؛ برای متن ترکی، نک: آذربایجان جمهوری - کیفیت تشکلی و شمذیکی وضعیتی، محمدامین رسول‌زاده، اوقاف اسلامیة مطبعه سی، شهزاده باشی، استانبول، ۱۳۳۹ق. و نک:

Azerbaycan Cumhuriyeti Keyfiyet-i Teşekkülü ve Şimdiki Vaziyeti,
Mehmed Emin Resulzade, İrfan Yayıncılık, İstanbul, ۱۹۹۰.

ترجمه از آن‌ها در تفلیس به سال ۱۹۳۸ منتشر شده است.) در ۱۹۳۰ گای لو استرنج و هگرد هم نمایشنامه «سرگذشت وزیر خان لنکران» را در انگلستان به زبان فارسی منتشر کرده‌اند.

اولین اجرای نمایشنامه «حکایت مسیو ژوردان...» در ماه مارت ۱۸۵۱ به زبان روسی در تئاتر شهر پترزبورگ به صحنه آمده است. همین نمایشنامه در سال‌های ۱۸۵۲-۱۸۵۳ به زبان روسی در تفلیس نمایش داده می‌شود. در ۱۰ مارت ۱۸۷۳ نخستین بار «حکایت سرگذشت وزیر خان سراب» را به زبان آذربایجانی در باکو روی صحنه آورده‌اند. به خاطر استقبال، همین نمایشنامه باز در ۱۸۷۳ به صحنه آمده است. در همان سال ۱۸۷۳-۱۷ آوریل، حکایت «مسیو ژوردان...» و حکایت «مرد خسیس» توسط همکاران و شاگردان حسن بیک زردابی (مدیر و مؤسس نشریه ترکی اکینجی) در ساختمان تئاتر آذربایجان روی صحنه آورده می‌شود. در ۱۸۷۴ هم حکایت «مرد خسیس» توسط میرزا مختار- از شاعران شوشا- در همین شهر اجرا شده است. اولین بار نمایشنامه‌های «مسیو ژوردان...- سرگذشت وزیر خان لنکران- خرس قولدورباسان- وکلای مرافعه» در تهران به سال ۱۸۷۷ روی صحنه اجرا شده‌اند. در سال ۱۸۷۹ هم چنین حکایت «سرگذشت مرد خسیس» توسط رشید بیگ افندی اوف در شهر شکلی (نوخا) به صحنه آورده شده است. باز در ۱۸۸۴ حکایت «خرس قولدورباسان» توسط یوسف بیگ حق نظر بی اوف در شکلی اجرا شده است. در همان سال حکایت‌های «مسیو ژوردان...- خرس قولدورباسان» هم به صحنه آمده‌اند. در ۱۸۸۵ هم سه حکایت «ملا ابراهیم خلیل- حاجی قارا- سرگذشت وزیر خان لنکران» در شوشا اجرا شده‌اند. در ۱۸۸۹ نمایشنامه‌های «حاجی قارا- مرد خسیس» و «وزیر خان لنکران» توسط گروه نمایشی تفلیس در تهران روی صحنه اجرا شده‌اند. در ۱۸۸۶ هم حکایت «مسیو ژوردان...» توسط فریدون بیگ کوچارلی به زبان آذربایجانی در تئاتر شهر ایروان به صحنه می‌آید. در ۱۸۹۰ هم حکایت «مسیو ژوردان...» توسط دانشجویان مدرسه گوری به زبان آذربایجانی اجرا شده است. در سال ۱۸۹۳ حکایت «وزیر خان لنکران» به زبان فارسی در بخارا برای امیر شهر اجرا می‌شود.

به استناد اعلامیه‌ای از دارالفنون تبریز، نخستین بار نمایش «حکایت مسیو ژوردان» را عبدالله عبدالله زاده فریور به سال ۱۳۳۷ قمری/ ۱۲۹۷ خورشیدی در تبریز روی صحنه آورده است. وی پیش‌ازاین در ۱۳۳۴ نمایش «حکایت خان سراب» را با حمایت «مدرسه اتحاد

ایرانیان» در باکو، روی صحنه برده بود. در شهریور سال ۱۳۰۹ خورشیدی گروه نمایش آرن، «حکایت وزیر خان سراب» را در تبریز روی صحنه آورد. در ۱۳۱۰ هم اجرایی از نمایشنامه «مسیو ژوردن و...» در تبریز توسط میر سیف‌الدین کرمانشاهی به صحنه آمده است. گروه نمایش انجمن روابط فرهنگی ایران و شوروی در سال ۱۳۲۳ خورشیدی نمایش «حکایت حاجی قارا» را در تماشاخانه شیر و خورشید سرخ تبریز اجرا کرده‌اند. این نمایش باز در فروردین ۱۳۲۴ هم اجرا شده است. همین گروه نمایش «مرد خسیس» را در مرداد ۱۳۲۴ روی صحنه آورده‌اند. نمایش «وزیر خان لنکران» یک‌بار هم توسط گروه تئاتر فرهنگ یا تئاتر پارس در تهران سال‌های دهه بیست خورشیدی به کارگردانی عبدالحسین نوشین روی صحنه آمده است. «سرگذشت مرد خسیس» به کارگردانی خلیل موحد دیلمقانی در تالار سنگلج تهران در ۲۹ اسفند ۱۳۴۸ هم اجرا شده است. نمایش «وزیر خان لنکران» به کارگردانی بنفشه توانایی، در تیرماه ۱۳۸۵ خورشیدی در تالار سایه (تئاتر شهر)، اجرا شده است. همین نمایش «وزیر خان لنکران» با کارگردانی داریوش موحد در اردیبهشت ۱۳۹۴ در تهران روی صحنه آمده است. در جشنواره فستیوال تئاتر ایرانی در کلن (آلمان)، به تاریخ نوامبر ۲۰۱۶ نمایش «وزیر خان لنکران» به کارگردانی بهرخ بابایی روی صحنه آمد. همین نمایش بار دوم در ۲۱ می ۲۰۱۷ در پاریس هم روی صحنه آمده است.

هم‌چنین برداشتی آزاد و تلویزیونی از رمان کوتاه «ستارگان فریب‌خورده» به کارگردانی داریوش فرهنگ و نویسندگی و بازیگری مهدی هاشمی، در مجموعه «افسانه سلطان و شبان» به صورت سریال از شبکه اول تلویزیون ایران در ۱۳۶۳ پخش شده است.

مجموعه آثار آخوندزاده در آذربایجان اولین بار در ۱۹۳۸ توسط ح. آراسلی، م. عارف و ف. قاسم‌زاده منتشر شده است. همین مجموعه آثار در سه جلد در سال‌های ۱۹۴۹-۱۹۵۸ و ۱۹۶۱-۱۹۶۲ هم منتشر شده‌اند. در سال ۱۹۶۲ به مناسبت ۱۵۰ سالگی آخوندزاده آثار وی در ۸ زبان و ۵۵ بار و در تیراژ ۵۲۷ هزار نسخه منتشر شده‌اند. هم‌چنین ۳۹ بار آثار آخوندزاده به زبان آذربایجانی در ۲۵۱ هزار تیراژ منتشر شده‌اند. در ۱۹۸۲ کتاب «کمدی‌ها، تمثیلات و اشعار میرزا فتحعلی آخوندزاده» را از نادر محمدآوفا، یازیچی نشریاتی در باکو منتشر کرده است. «آثار ادبی آخوندزاده» در ۲۰۰۴ توسط چاشیق اوغلو نشریاتی و «مجموعه آثار آخوندزاده» در باکو در سال ۲۰۰۵ توسط لیدر نشریاتی منتشر شده‌اند.